

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: والنن کاتاسانوف (Valentin Katasonov)

برگردان: ا. م. شیری

09 نومبر 2024

امریکا و اسرائیل «سگ» کجا و «دُم» کجا

امریکا و اسرائیل (1)



«سگ» کجا و «دُم» کجا

حمایت بی‌تزلزل از دولت یهود به رنگ حزبی و سیاسی صاحب کاخ سفید بستگی ندارد همه، حتی افراد دور از سیاست، از روابط نزدیک و غیررسمی امریکا و اسرائیل اطلاع دارند. و آن دسته از کارشناسان و دانشمندان علوم سیاسی نیز که غرق در بررسی این روابط هستند به دو گروه تقسیم می‌شوند: برخی بر این باورند که امریکا نقش مسلط در ائتلاف امریکا و اسرائیل را بازی می‌کند که مسیر دولت یهودی را تعیین می‌کند و تمام کمک‌های اقتصادی و نظامی ممکن را به آن ارائه می‌دهد. برعکس، برخی دیگر مطمئن هستند که این اسرائیل است که بر این زوج مسلط است.

اگر امریکا و اسرائیل را با استفاده از شاخص‌های معمول مقایسه کنیم، کشور اول از این دو کشور، به ترتیب بزرگی، حتی ده‌ها مرتبه بزرگتر از دومی است. به عنوان مثال، در سال ۲۰۲۳، سهم امریکا از تولید ناخالص داخلی جهانی بر حسب برابری قدرت خرید، طبق گزارش صندوق بین‌المللی پول، حدود ۱۵ درصد و سهم اسرائیل

کمتر از ۳۰ درصد بود. جمعیت این کشورها به ترتیب ۳۴۵ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر و ۹ میلیون و ۳۴۰ هزار نفر است. مساحت آن‌ها به ترتیب ۹ میلیون و ۸۳۳ هزار و ۵۰۰ کیلومتر مربع و ۲۲ هزار و ۱۰۰ کیلومتر مربع است.

کارشناسان و روزنامه‌نگاران برای مقایسه دو کشور بر اساس شاخص‌های فوق و سایر شاخص‌ها، اغلب از تصویر یک سگ و دُم آن استفاده می‌کنند. امریکا سگ است و اسرائیل دُم سگ و کسانی که معتقدند اتحاد امریکا و اسرائیل تحت سلطه امریکاست، می‌گویند که سگ، دُم خود را می‌جنباند. اما امروزه، تعداد بسیار زیادی از سیاستمداران و کارشناسان بر این باورند که «دُم»، «سگ» را تکان می‌دهد. به عنوان مثال، اسرائیل شامیر، روزنامه‌نگار مشهور روسی-اسرائیلی در مقاله‌ای به تاریخ ۲ مارچ ۲۰۱۵ زیر عنوان «دُم، سگ را تکان می‌دهد. نتائیاهاو در واشنگتن»، به صراحت می‌نویسد: «تشخیص این نزاع قدیمی که سگ دُمش را می‌جنباند یا دُم سگ را تکان می‌دهد، یعنی چه کسی بر زوج امریکا و اسرائیل حکومت می‌کند، به حل این دعوا کمک می‌کند. بی‌بی نتائیاهاو نخست وزیر اسرائیل قصد دارد رئیس جمهور امریکا را در پایتخت خود به صورت علنی و آشکار تحقیر کند. برنامه‌های او بزرگ است: نتائیاهاو تلاش می‌کند آتش جنگ بین امریکا و ایران را برافروزد، به اوپاما نشان دهد که رئیس کیست، در انتخابات قریب‌الوقوع در اسرائیل پیروز شود و ظرف-ظروف بیشتری بشکند».

نمونه بارزتر «سگ» مطیع «دُم» خود نسبت به اوپاما، دونالد ترامپ است. با وجود همه زیاده‌خواهی‌ها و میهن پرستی ظاهری امریکائی، او قبل از هر چیز (در دوران ریاست جمهوری خود در امریکا) به اسرائیل خدمت کرد و قول داد (در صورت بازگشت به کاخ سفید) باز هم به اسرائیل خدمت خواهد کرد. یادآوری همین نکته کافی است که در دسامبر ۲۰۱۷، به ابتکار رئیس جمهور ترامپ، بیت‌المقدس (خلاف تصمیمات سازمان ملل متحد) به عنوان پایتخت اسرائیل به رسمیت شناخته شد و امریکا اولین کشوری بود که سفارت خود را از تل‌آویو به بیت‌المقدس منتقل کرد. مقامات دولت یهود از تصمیمات ترامپ تمجید کردند و پس از آغاز جنگ جدید در خاورمیانه در ۷ اکتوبر سال گذشته، ترامپ بلافاصله در واکنش به جنگ اسرائیل با حماس، آن را «نبرد بین خیر و شر» نامید.

اگر به دقت تمام «رمزگشائی‌های» دونالد ترامپ در مورد اسرائیل را زیر نظر بگیرید، این تصور در ذهن به وجود خواهد آمد که اسرائیل حتی برای او «مهربان‌تر» از امریکاست. واضح است که ترامپ همه این اظهارات عشق به اسرائیل را برای جلب حمایت رأی‌دهندگان یهودی و طرفدار اسرائیل بر زبان می‌آورد. تعداد یهودیان امریکا بین ۵.۵ تا ۸ میلیون نفر تخمین زده می‌شود. (۷.۱٪ - ۶.۲٪ جمعیت)، که با جمعیت اسرائیل قابل مقایسه است. تعیین رقم دقیق به دلیل مسائل هویتی در میان افراد مختلط و غیریهودی که به یهودیت گرویده‌اند، دشوار است. اما این میلیون‌ها شهروند فقط نوک کوه یخ هستند. موفقیت انتخابات در درجه اول به این بستگی دارد که میلیاردها دالر الیگارش‌های امریکائی به سوی حمایت از کدام نامزد هدایت خواهد شد. اکثریت قریب به اتفاق این الیگارش‌ها افرادی هستند که نشانه‌هایی از هویت یهودی و احساسات طرفدار اسرائیل دارند. انتخابات ریاست جمهوری امریکا (و همچنین انتخابات کنگره امریکا و مجالس قانونگذاری ایالت‌ها) را می‌توان با مزایه مقایسه کرد که در آن شرکت کنندگان برای نشان دادن ارادت خود به اسرائیل با هم به رقابت می‌پردازند. در برنامه‌های انتخاباتی نامزدها، موضوع اسرائیل اجباری است. سکوت در مورد اسرائیل به معنای محکوم کردن خود به شکست در همان ابتدای رقابت انتخاباتی است. کامالا هریس، نامزد دموکرات ریاست جمهوری امریکا نیز تمام تلاش خود را می‌کند تا از اسرائیل حمایت کند، اما بدتر از ترامپ با تجربه عمل می‌کند.

انتخابات، انتخابات است و حمایت اقتصادی و نظامی واقعی امریکا از اسرائیل حتی یک روز هم متوقف نمی‌شود. همانطور که می‌گویند: «کاروان می‌گذرد و سگ عو عو کند» (ضرب‌المثل فارسی).

اخیراً با کتاب **پل فیندلی** به نام «آن‌ها جرأت دارند صحبت کنند: مردم و نهادها در مقابل لابی اسرائیل ایستاده‌اند»، که تقریباً چهار دهه پیش در امریکا منتشر شده، آشنا شدم. در سال‌های ۱۹۶۱-۱۹۸۳ او عضو کنگره امریکا بود و در کمیته فرعی روابط با اروپا و خاورمیانه خدمت می‌کرد. او بارها به خاورمیانه سفر کرد و به دنبال مذاکره بین اسرائیل و ساف (سازمان آزادیبخش فلسطین به رهبری یاسر عرفات) بود. او در نهایت به دلیل «موضع ضد اسرائیلی» خود، از کنگره امریکا اخراج گردید. کتاب پل فیندلی ماهیت و سازوکارهای لابی طرفدار اسرائیل را نه تنها در کنگره امریکا، بلکه در زندگی عمومی امریکا به طور کلی توضیح می‌دهد.

او کمیته روابط عمومی امریکا اسرائیل را نهاد کلیدی این لابی می‌نامد. نویسنده با استناد به اسناد بسیاری نتیجه می‌گیرد که لابی طرفدار اسرائیل به شکل‌گیری جنبه‌های مهم سیاست خارجی امریکا کمک می‌کند و تأثیر تعیین‌کننده ای در انتخابات کنگره، سنا و ریاست جمهوری دارد. همچنین فشارهایی را که آپیک بر استادان دانشگاه و روزنامه نگارانی وارد می‌کند که گویا بیش از حد «وفادار» به کشورهای عربی و اسلامی و بیش از حد منتقد سیاست‌های اسرائیل هستند، توصیف می‌کند. در کنار بسیاری از منتقدان حامیان دائمی برنامه‌های اسرائیل، از چندین منتقد کمتر شناخته شده دیگر مانند جیمی کارتر، رئیس جمهور سابق، سینتیا مک کینی نماینده، سناتور رابرت برد، زیاد عسلی، دکتر برجسته امریکائی عرب تبار، خاخام مایکل لرنر و چارلز ریس، روزنامه‌نگار می‌توان نام برد. پیوندهایی بین حمایت بی‌قید و شرط امریکا از اسرائیل و احساسات شدید ضد امریکائی در سراسر جهان - و در نهایت رویدادهای بحث‌انگیز ۱۱ سپتمبر برقرار می‌شود (این موضوع در آخرین ویرایش کتاب در سال ۲۰۰۳ مورد بحث قرار گرفت).

نماینده سابق کنگره عدم وجود بحث آزاد میان سیاستمداران در مورد سیاست امریکا در خاورمیانه را مورد توجه قرار می‌دهد که آپیک مسؤول این سانسور است. یکی دیگر از عاملان سانسورهای سخت، **انجمن ضد افترا** است که در سال ۱۹۱۳ تشکیل گردید. فعالیت‌های آن عمدتاً در داخل امریکا متمرکز است. هرگونه انتقاد از صهیونیسم در امریکا اکیداً ممنوع است و هرکسی که مظنون به چنین انتقادی باشد، بلافاصله برچسب «یهودستیزی» به او می‌زند. ضمناً، فعالیت‌های انجمن ضد افترا در کتاب معروف داگلاس رید، به نام «مناقشه بر سر صهیون» به تفصیل تشریح شده است. هم پل فیندلی و هم داگلاس رید خاطر نشان می‌کنند که انجمن ضد افترا با جدیت تمام به مسیحیت در همه اشکال آن (ارتدوکس، کاتولیک، پروتستان) حمله می‌کند و آن را به «یهودستیزی» متهم می‌کند. داگلاس رید تصریح می‌کند: «**انجمن ضد افترا در محافل ملی امریکا به عنوان گشتاپوی یهودی شناخته می‌شود**». به هر حال، انجمن ضد افترا نه تنها درگیر سانسور و آزار و اذیت شهروندان امریکائی است که به قدر کافی به صهیونیسم و اسرائیل وفادار نیستند، حتی مانند آپیک حمایتگری هم می‌کند. در سال ۱۹۷۴، انجمن ضد افترا اعلام کرد که یهودیان در کسب‌وکار مالی امریکا کمتر حضور دارند که خود این، «آخرین سنگر یهودستیزی امریکا» است. ، تحت فشار انجمن ضد افترا، سرانجام غیر یهودیان از فعالیت‌های مالی امریکا محروم شدند.

بخشی از کتاب پل فیندلی که در مورد کمک نظامی امریکا به اسرائیل صحبت می‌کند، بسیار جالب است. نمایندگان اسرائیل از پنتاگون آویزان شده‌اند و به مقامات وزارت دفاع می‌گویند که امریکا باید نیازهای تسلیحاتی دوستان یهودی خود را تأمین کند. نکته قابل توجه این است که اسرائیل گاهی بهتر از خود امریکائی‌ها می‌داند که در آشغال دانی‌های پنتاگون چه چیزی وجود دارد و خواستار عرضه جدیدترین انواع سلاح‌هایی می‌شود که هنوز سرّی

هستند. اسرائیلی‌ها چگونه این اطلاعات را کسب می‌کنند؟ شبکه اطلاعاتی گسترده اسرائیلی در مجتمع نظامی-صنعتی امریکا بشدت فعال است. همانطور که پل فیندلی می‌نویسد، پنتاگون را می‌توان یک «دکان خودزوری [سلف سرویس] اسرائیل» ارزیابی کرد. فیندلی چگونگی تصمیم‌گیری آشکارا خلاف منافع امریکا در کنگره را مثال می‌زند. کنگره امریکا در سال ۱۹۸۴ به تخصیص ۲۵۰ میلیون دلار به اسرائیل برای تولید نسل جدید هواپیمای جنگنده به نام «لاوی» رأی داد. این جنگنده در مقایسه با جنگنده‌های امریکائی آن زمان عملکرد بهتری داشت. رقیب اسرائیلی با پول امریکا تقویت شد. یکی از معدود نمایندگان کنگره که رأی منفی داد، گفت: «در نتیجه ۶۰۰۰ شغل از بین خواهد رفت... فقط دالرهای مالیات دهندگان امریکائی نیست که از آن‌ها برای ایجاد صنایع خارجی اخاذی می‌شود. آن‌ها باید شغل خود را نیز از دست بدهند».

من با جزئیات بیشتری در مورد کمک‌های اقتصادی و نظامی امریکا به اسرائیل صحبت خواهم کرد. قابل توجه است که از سال ۱۹۴۹ تا اواخر دهه ۱۹۶۰، کمک‌های امریکا تقریباً منحصراً اقتصادی بود. هم به صورت کمک بلاعوض و هم به صورت وام ترجیحی. اگر به گزارش‌های کنگره امریکا باور کنیم، اسرائیل اولین قسط کمک نظامی را تنها در سال ۱۹۷۰ دریافت کرد. این، ۳۰ میلیون دلار کمک مالی بود. در سال بعد، کمک‌های نظامی به ۵۴۵ میلیون دلار بالغ شد. علاوه بر این، میزان کمک‌های نظامی به شرح زیر بود: ۱۹۷۲ - ۳۰۰ میلیون؛ ۱۹۷۳ - ۳۰۷ میلیون و ۵۰۰ هزار؛ ۱۹۷۴ - ۹۸۲ میلیون و ۷۰۰ هزار دلار. در سال ۱۹۷۴ وام‌های نظامی به مبلغ ۱۵۰۰۰۰۰ دلار به کمک‌های نظامی اضافه شد. و جمع کل کمک‌های نظامی در سال ۱۹۷۴ تقریباً ۲ و نیم میلیارد دلار بود.

مجموع کمک‌های نظامی به اسرائیل از سال ۱۹۷۶، به طور مداوم بیش از یک میلیارد دلار بوده است. قابل توجه است که از اواسط دهه ۱۹۸۰ کمک‌های بلاعوض از کمک‌های نظامی به اسرائیل حذف شد و کمک‌ها منحصراً در قالب وام ارائه گردید.

در مجموع، از زمان تشکیل دولت اسرائیل تا سال ۲۰۲۰، کمک‌های امریکا، طبق گزارش کنگره این کشور، ۱۴۶ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار بوده است. از جمله: کمک نظامی - ۱۰۴ میلیارد و ۵۰۰ میلیون؛ کمک اقتصادی - ۳۴ میلیارد و ۳۰۰ میلیون؛ کمک به ساخت دفاع راکتی - ۷ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار.

اما داده‌های مربوط به کمک‌های اقتصادی سه سال اخیر (۲۰۲۱ - ۲۰۲۳) اعلام نشده است. کمک‌های نظامی سالانه در این سه سال در همان سطح باقی ماند - ۳ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار (مجموعاً حدود ۱۰ میلیارد دلار). کمک به دفاع راکتی: ۲۰۲۱ - ۳ میلیارد و ۸۰۰ میلیون؛ ۲۰۲۲ - ۴ میلیارد و ۸۰۰ میلیون؛ ۲۰۲۳ - ۳ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار (مجموعاً ۱۲ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار). در مجموع، اسرائیل طی سه سال، بیش از ۲۲ میلیارد دلار از امریکا دریافت کرد.

اسرائیل کشور فقیری نیست (تولید ناخالص داخلی آن در سال گذشته بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار بود). بنابراین، می‌تواند به حساب جیب خود تسلیحات زیادی بخرد. اما در اینجا، همانطور که در بالا گفته شد، اسرائیل از «دکان خودزوری» امریکائی استفاده می‌کند و عملاً با هیچ محدودیتی مواجه نیست. تنها از آغاز جنگ کنونی در خاورمیانه (یعنی از ۷ اکتوبر ۲۰۲۳) تا آغاز جون سال جاری، تسلیحات، مهمات و تجهیزات نظامی ارسالی امریکا به اسرائیل بالغ بر ۶ و نیم میلیارد دلار بوده است. در ماه مه ۲۰۲۴، قراردادهای نظامی به مبلغ ۳ میلیارد دلار دیگر امضاء شد.

به گفته پنتاگون، تا پایان سال، مبلغ قراردادهای منعقد شده و تا حد زیادی اجراء شده برای عرضه تسلیحات امریکائی به اسرائیل می‌تواند به ۲۰ میلیارد دلار برسد.

واقعیت‌ها و ارقام داده شده نشان می‌دهد که «دُم» در سیمای اسرائیل، بسیار مطمئن و ماهرانه، «سگ»، یعنی امریکا را می‌جنباند. اسرائیل هر روز در خاورمیانه مرتکب جنایات جنگی می‌شود. گویا امریکا هیچ ارتباطی با آن ندارد. یا شریک جرم غیرمستقیم است. نه، امریکا عامل اصلی این جنایات است. مسؤلیت اصلی آن‌ها هنوز بر عهده «سگ»، یعنی امریکا است.

پی‌نوشت - تمثیل «سگ و دُم» که روابط امریکا و اسرائیل را توضیح می‌دهد، باید با عنصر سوم، یعنی «صاحب سگ» تکمیل شود. اما رسانه‌های امریکائی و اسرائیلی در مورد «صاحبان سگ» کاملاً سکوت می‌کنند. درز هر گونه اطلاعات در مورد «صاحبان سگ»، بلافاصله توسط انجمن ضد افترای فوق‌الذکر ثبت می‌شود و بشدت مجازات می‌شود. با این حال، می‌توان چیزی در مورد «صاحبان سگ» در کتاب‌های فئیندلی و داگلاس رید خواند.

منتشره در: [بنیاد فرهنگ ستر ایتزیک](#)

۱۴ آبان - عقرب ۱۴۰۳

[4نومبر 2024](#)

*- پروفیسور، دکتر علوم اقتصاد، مدیر مرکز پژوهش‌های اقتصادی «شاراپوف» فدراسیون روسیه، پژوهشگر مسائل پشت صحنه